

مقالات آماده
انتشار، پذیرفته
شده
انتشار آنلاین از
تاریخ 12 بهمن
1398

فایل ها
XML

بازسازی روایت فتح ایران در دوره خلافت ابوبکر در آثار مورخین قرن سوم هجری

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسندگان

نیما باقری¹، مریم عزیزیان²، لیلا نجفیان رضوی³

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

² استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

doi: 10.22051/HPH.2020.27520.1378

چکیده

مراحل اولیه فتوح، اثرات فراوانی بر ادوار بعدی حکومت اسلامی داشت. این امر زمینه توجه مسلمانان به فتوحات را فراهم آورد که یکی از نتایج آن ذکر اخبار

بازسازی روایت فتح ایران در دوره خلافت ابوبکر در آثار مورخان قرن سوم هجری¹

نیما باقری²

مریم عزیزیان³

لیلا نجفیان رضوی⁴

تاریخ دریافت: 98/06/12

تاریخ پذیرش: 98/11/05

چکیده

مراحل اولیه فتوح، تأثیر فراوانی بر ادوار بعدی حکومت اسلامی داشت. این امر زمینه توجه مسلمانان به فتوحات را فراهم آورد که یکی از نتایج آن ذکر اخبار فتوح در متون تاریخی بود. به دلیل نزدیکی زمانی، طرح فتوح ایران در کتب برخی از مورخان قرن سوم همانند ابن خیاط، بلاذری، دینوری و یعقوبی اهمیتی ویژه دارد. در این نگاه‌ها، روایات مشابه و متفاوت فراوانی خاصه درباره فتوح دوره خلیفه اول وجود دارد. براین اساس، شیوه مورخان سده سوم هجری در بازسازی روایت فتوح ایران و

¹ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2020.27520.1378

² دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد: nimabagheri1993@gmail.com

³ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): maryamazian@um.ac.ir

⁴ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد: najafian@um.ac.ir

ارتباط آن با فضای کلی فرهنگی‌سیاسی در دورهٔ خلافت ابوبکر مسئلهٔ پژوهش حاضر است. از نتایج این پژوهش توصیفی‌تحلیلی این است که بسیاری از این مورخان با پذیرش فرهنگ اسلامی حاکم کوشش کردند فتوح ایران در دورهٔ خلیفهٔ اول را در زنجیرهٔ تاریخ مقدس امت و خلافت اسلامی جای دهند؛ اما دلبستگی‌های مکانی و جایگاه اجتماعی هر یک از این مورخان دغدغه‌های ویژه‌ای در زمینهٔ تفاخرطلبی قومی و رقابت‌های محلی و منطقه‌ای برای آنها ایجاد کرد؛ از این رو به تفاوت‌هایی در شرح جزئیات روایت فتوح این دوره منجر شد.

واژگان کلیدی: فتوح ایران، خلافت ابوبکر، تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ یعقوبی، فتوح البلدان، اخبار الطوال، تاریخ خلیفه.

مقدمه

به دنبال گسترش مرزهای حکومت اسلامی و ضمیمه شدن سرزمین‌های جدید به آن، اصطلاح فتوح برای پیروزی‌های بزرگ اسلامی به کار رفت. فتوح و مسائل آن به‌ویژه در مرحله اولیه (دوره خلفای راشدین) از عوامل تأثیرگذار بر حوادث مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تاریخ صدر اسلام بود. همچنان که در میان جریان‌های فکری و علمی مختلف در سال‌های اخیر به موضوعی مناقشه‌برانگیز و شایان توجه تبدیل شده است. برای نمونه محققانی نظیر شهیدی و زرگری‌نژاد نگاه انتقادآمیزی به هدف آغازگران فتوحات نیز به محتوا و نتایج آن دارند و آن را یکی از دلایل وقوع و خشونت به کار رفته در رویداد کربلا می‌دانند (شهیدی، 1358: 24-25؛ زرگری‌نژاد، 1383: 46-47). در مقابل، جابری به باور برخی در خصوص وجود ایده فتوح از عصر پیامبر (ص) اشاره می‌کند (جابری 1384: 87-90)؛ هرچند خود نگاهی انتقادی به این امر دارد (همان: 90). بنیادگرایی همچون نظریه پردازان گروه داعش، با استناد به رفتار شخصیت‌های تاریخ‌ساز فتوح همانند خالد بن ولید، برخی از اقدامات خشونت‌آمیز خود را توجیه می‌کنند.¹ تقریباً در تمام اشارات فوق، نظرات و اثبات تحلیل‌ها، به رخدادهایی از فتوح مستند شده که در متون تاریخی قرون متقدم اسلامی ذکر شده است و غالب آنها رخدادهای قطعی و به وقوع پیوسته در نظر گرفته شده‌اند.

علاوه بر این، موضوع فتوح در برخی از حوزه‌های پژوهشی همانند تاریخ ایران، اطلس‌های تاریخ اسلام، فتوح و نیز تحقیقات مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی مدنظر قرار گرفته است. پژوهشگران تاریخ ایران همچون زرین کوب در تحلیل روند فتح ایران گرایش‌های قبیله‌ای راویان را در روایت اغراق‌آمیز فتوحات یادآور می‌شوند؛ اما چرایی حضور چنین گرایش‌هایی را در منابع تحلیلی نمی‌آورند (زرین کوب، 1392: 285-286). برخی تحقیقات به موضوعات جزئی در بحث فتوحات همانند جایگاه امور فرامادی در تحلیل فتوحات (حاجی‌بابایی و دیگران، 1393) یا شخصیت‌های فتوح مانند مثنی‌بن حارثه (سعیدیان جزئی، 1386) پرداخته‌اند، اما این پژوهش‌ها هم به بسیاری از روایات تاریخ‌نگاری اعتماد کرده‌اند. نقشه‌های مربوط به مسیر فتوحات در عصر خلفا در اطلس‌های تاریخ اسلام نیز، بدون نقد و متکی بر یکی از منابع تاریخ‌نگاری به‌ویژه طبری طراحی شده‌اند (نمونه: ابوخلیل، 2005؛ المغوث، 1424؛ همو، 1425هـ).

البته تحقیقات متنوعی نیز درباره فتوح در تاریخ‌نگاری اسلامی انجام شده است. «تاریخ‌نگاری جنگ در عصر اسلامی» (قائدان، 1384)، «تأثیر روایات ایام‌العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری» (همان: 1390)، «تاریخ‌نگاران و رویداد قادسیه» (محمودآبادی، 1380)، معرفی کتاب‌های فتوح (ناظمیان‌فرد، 1377؛ شبانه، 1388) و کتاب نقد و بررسی *روایت‌های فتوح ایران در سه قرن نخست هجری* (عزیزی، 1391) از آن جمله‌اند. این آثار در جای خود بسیار ارزشمندند، اما محققان آن به چرایی و چرایی تفاوت‌ها و شباهت‌های روایات فتوح در تاریخ‌نگاری اسلامی توجه نکرده‌اند. به سبب اهمیت موضوع فتوح و نیز خلأ تحقیقاتی موجود، در مقاله حاضر کوشش شده است نحوه بازنمایی روایات فتوح ایران در نقطه آغازین آن، یعنی زمان خلافت ابوبکر، در منابع تاریخ‌نگاری قرن سوم هجری تحقیق شود. آگاهی به چگونگی بازنمایی این منابع از فتوح، به فهم دقیق‌تر رویدادهای قرن نخست هجری کمک می‌کند و درک ما را از ابعاد پیچیده تاریخ‌نگاری قرون متقدم اسلامی افزایش می‌دهد.

به منظور دستیابی به این مهم در پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، ابتدا شیوه مورخان از روایت فتوح در این قرن توصیف می‌شود. سپس، تفاوت‌ها و شباهت‌های روایات آنان در پرتو فضای فرهنگی و سیاسی حاکم مطالعه و تحلیل خواهد شد.

¹ این نکته طریف را دکتر یاسر قزوبنی، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، در یک گفت‌وگوی خصوصی یادآور شدند.

در نهایت این توضیح مفید به نظر می‌رسد که انتخاب متون قرن سوم هجری از آن جهت است که آنها نزدیک‌ترین منابع باقی‌مانده به رویدادهای فتوح در قرن اول محسوب می‌شوند. جالب اینجاست که از میان مورخان این قرن¹، تنها خلیفه بن‌خیاط (م. 240هـ)، بلاذری (م. 272هـ)، ابوحنیفه دینوری (م. 282هـ) و یعقوبی (م. 284هـ) درباره فتوح زمان ابوبکر سخن گفته‌اند. به‌طور خاص ابن‌قتیبه دینوری و به‌طور عام، نویسندگان کتب انساب و طبقات در این باره سکوت کرده‌اند. با این حال کتاب *الرّده و نبذه من الفتوح* واقدی (م. 207) نیز با وجود ارتباط مستقیم، از متون مطالعه‌شده در این تحقیق حذف شده‌است؛ زیرا گزارش‌های او با روایات ابن‌اعثم در قرن 4هـ همپوشانی بسیاری دارد و این احتمال مطرح می‌شود که نسخه‌نویسان قرون بعدی آنها را به این شخص نسبت داده باشند (ن. ک. مقدمه مهدوی دامغانی بر واقدی، 1369: 17؛ رابینسون، 1389: 96)، امری که دسترسی مطمئن به بینش این نویسنده به روایات فتوح را دچار تردید می‌کند.

گزارش فتوح ایران در روایت متون تاریخ‌نگاری قرن سوم هجری

توصیف نحوه روایت مورخان در چند محور مدنظر قرار می‌گیرد: نخست اینکه روایت فتوح زمان ابوبکر در کدام قسمت از کتاب و حوادث دوره این خلیفه گنجانده شده است؛ دوم، نحوه چینش روایت (نقطه شروع، ادامه و پایان آن)، شبکه راویان و کاربرد واژگان در متن چگونه است؛ سوم، چه مسیرها و منازلی در فتوح این دوره وجود داشته‌است؛ چهارم، با عنایت به اینکه برخی از منازلی که یک نویسنده در دوره ابوبکر ذکر می‌کند مورخ دیگر آن را از مناطق مفتوحه عصر خلافت عمر می‌داند، به منظور مقایسه بهتر، مسیرها و توضیحات فتوح زمان خلافت خلیفه دوم تا پیش از نبرد قادسیه نیز، مدنظر قرار می‌گیرد؛ پنجم، نحوه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در این گزارش‌ها چگونه است.

1. نحوه چینش روایت فتوح ایران

خلیفه بن‌خیاط پس از روایت جریان رده در سال 11هـ ق، گزارش سال 12هـ را با فرمان ابوبکر برای اعزام خالد به سرزمین بصره آغاز می‌کند. وقایع این سال برخلاف سال‌های قبل و پس از آن، بدون تیتراژ گزارش می‌شود و مربوط به جنگ‌های خالد در عراق، اخبار فوت شخصیت‌های مهم و برگزارکنندگان حج در این دوره است (خلیفه، 1995: 61-62). احمد بن یحیی بلاذری کتاب *فتوح البلدان* را براساس موضوعات طبقه‌بندی کرده است. وی کتابش را از دوره مدنی آغاز می‌کند و سپس فتوحات را بر پایه موضوعات خبر رده عرب در صفحات 99 تا 111، فتوح شام، صفحه‌های 111 تا 172 و فتوح جزیره در صفحات 172 تا 209 و فتوح مصر، مغرب و اندلس در صفحات 210 تا 237 و فتوح سواد عراق و ایران در عصر خلافت ابوبکر در صفحات 238 تا 247، ادامه آن در زمان خلافت عمر بن خطاب در صفحات 247 تا 416 و فتوح سند در صفحات 416 تا 429 شرح می‌دهد. در این میان، فتوح عراق در زمان خلافت ابوبکر در میان دو موضوع فتح شام به هنگام اعزام خالد به شام و فتح سواد عراق گنجانده شده است. این چینش نشان می‌دهد نویسنده آغاز فتح ایران را از زمان خلافت ابوبکر محاسبه می‌کند.

ابوحنیفه دینوری قالب ادبی ویژه‌ای برای روایت عملیات نظامی در ایران انتخاب می‌کند که متفاوت از دیگر متون قرن سوم است. ابوحنیفه کتابش را به بخش‌های مختلف تقسیم نکرده، اما به‌رحال مطالب آن را مبتنی بر یک بینش خاص تنظیم کرده‌است. وی برخلاف سه مورخ دیگر از میان حوادث عصر ابوبکر و عمر، تنها به مسئله عملیات نظامی در ایران اهمیت می‌دهد. او اخبار فتوح عرب‌های مسلمان در ایران را تا پیش از قادسیه میان دو مبحث حوادث جانشینی دربار ساسانیان قرار داده است. این مباحث مربوط به جانشینان خسرو پرویز تا تاج‌گذاری پوران دختر خسرو و سپس، عزل

¹ در این پژوهش، ملاک تعیین مورخان این قرن، سال وفات ایشان در نظر گرفته شده است.

آذرمیدخت و پادشاهی یزدگرد، اندکی پیش از واقعه قادسیه، است.¹ اخبار شروع شبیخون‌های قبایل مرزی بکرین‌وائل و سپس آغاز حملات خلافت اسلامی در زمان ابوبکر به دنبال خبر تاج‌گذاری زنان روایت می‌شود (دینوری، 1368: 112-111) که در نگاه دینوری عامل ضعف شوکت و سستی شهرپاری ایرانیان شده بود. بدین ترتیب دینوری در ابتدا، میانه و انتهای روایت فتوح پیش از قادسیه به خواننده خود علت سستی ایران را گوشزد می‌کند.

یعقوبی همچون دینوری خبرهای عصر ابوبکر را به غیر از سه عنوان (اولاد، عمال و صفت ابوبکر) بدون زیر عنوان و تقسیم‌بندی روایت می‌کند. این مورخ فتح ایران در دوره ابوبکر را در دو منطقه عراق و نیز فارس و مکران روایت و ذیل مباحث زیر چینش کرده است: سرکوب پیامبران دروغین، ورود خالد بن ولید به سرزمین عراق به دستور خلیفه تا خبر صلح با حیره، نبرد ابوبکر با مرتدان و تاج‌گذاران عرب؛ ارسال لشکر به فرمان خلیفه به سوی کسانی که زکات نپرداختند، از جمله اعزام خالد به سوی مالک بن نویره؛ تصمیم و مشورت ابوبکر برای لشکرکشی به روم و اعزام نیروهای مختلف از جمله امر به خالد برای حرکت به سمت شام؛ ادامه علمیات این فرمانده در عراق تا رسیدن به شام؛ فتوح شام؛ ارسال سپاه به فرمان خلیفه به تَوَّج (نزدیک کازرون فارس) و مکران و ماورای آن و فتح این نواحی و گرفتن اسیر (یعقوبی، بی تا: 134/2-130) غفلت یا بی‌اهمیتی خبر برای ابن‌واضح سبب ایجاد چند مسئله بی‌پاسخ و پارادکس در خبرهای فوق شده که از میزان یکدستی متن کاسته است. از مهم‌ترین تناقض‌ها نامه ابوبکر به خالد برای رفتن به سوی مالک بن نویره و سپس، نامه اعزام وی به شام است. نامه در کجای سواد به دست خالد رسید؟ آیا خالد از عراق به سوی مالک رفت و دوباره به سواد بازگشت؟ مطابق با گزارش تاریخ یعقوبی، چرایی جنگ با مرتدان و حمله به شام در اندیشه ابوبکر روشن است، اما چرایی اعزام خالد به عراق و سپاهی که وی به تَوَّج و مکران فرستاد، در ابهام کامل روایت می‌شود.

2. مسیرها و منازل فتوح ایران

ابن‌خیاط گزارش خود را بر پایه هفت روایت قرار می‌دهد که سلسله سند برخی را کامل یا تنها متکی بر یک راوی ذکر کرده یا اخبار چند نفر راوی را در یک روایت ادغام کرده است. راویان او غالباً بصری هستند. مسیری که او برای عملیات دوره ابوبکر در عراق ترسیم می‌کند از بصره² و رود دجله آغاز و به شمال سواد در کرانه‌های فرات ختم می‌شود. در مجموع خلیفه در گزارش خود از 15 منطقه و 9 عملیات نظامی سخن می‌گوید. جدول زیر مسیرها، نوع برخورد خالد بن ولید و توضیحات آن را نشان می‌دهد:

¹ برای اشتباهای دینوری در تطبیق زمانی حکومت این شاهنشاهان با زمان نبی اکرم (ص) و ابوبکر و کسب اطلاعات دقیق‌تر، ن. ک. نولدکه، 1378: 416-382.

² در سال 12 هـ شهری به نام بصره وجود نداشته و به جای آن شهر قدیمی خریبه بوده است (حموی، 1995: 430/1). بعدها بصره در بقایای این شهر ساخته شد و به تدریج کل منطقه بصره به این شهر محدود شد (بلاذری: 1998: 337-338). بنابراین در نقشه حاضر منظور از خریبه، همان شهر بصره است.

جدول شماره ۱: منازل و مسیر فتوحات ایران در دوره ابوبکر بر اساس گزارش خلیفه:			
منازل	نام منطقه	نوع برخورد:	توضیحات:
۱	بصره	عبور	خالد ابتدا قصد حمله به آنجا را داشته که ساکنان آنجا اظهار مسلمانی می‌کند
۲	أبله	فتح	به فرماندهی خالد
۳	نهرالمرأة	صلح	۱۲۰۰۰ درهم مال الصلح، به فرماندهی خالد
۴	از فاصله رأس الفهرج تا نهرالمرأة	صلح	به فرماندهی خالد
۵	ميسان و أهل القرى	أصاب بها/غنائم و اسیر	به فرماندهی خالد
۶	بازگشت به نهرالمرأة؛ بازگشت به بصره	[تکرار:] صلح با نهرالمرأة و ادامه مسیر	طماهیج صاحب نهرالمراه، به فرماندهی خالد
۷ و ۸	کسگر و زندورد	أخذ علی	قطبه را جانشین کرد بر بصره، به فرماندهی خالد
۹	الیس و قرى سواد	صلح	۱۰۰۰(دینار صفر یا شنبه ۲۷ رجب ۱۱۲هـ ابن صلوبا، به فرماندهی خالد
۱۰، ۱۱، ۱۲	هرمزدرج، نهر ملک، باروسما	فتح	به فرماندهی خالد
۱۳	دو قصر [از حیره]	صلح	۹۰ هزار درهم: عبدالملک و ایاس بن... به فرماندهی خالد
۱۴	انببار و سوق بغداد	صلح با انبار / غارت سوق	اعزام مثنی به سوق، به فرماندهی خالد
۱۵	عین التمر	محاصره، قتل و اسیر	به فرماندهی خالد

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود خلیفه در سواحل دجله و ناحیه بصره، به عملیات نظامی در سه ناحیه ابله^۱، نهرالمرأة^۲ و اطراف آن و ميسان^۳ قائل است. در گزارش خلیفه از عملیات خالد در سواحل فرات، یک ادعای بزرگ و تناقض آشکار مشاهده می‌شود؛ بنابر گزارش او خالد بن ولید پس از االیس^۴ در ساحل فرات به هرمزدرج^۵ در شط دجله و سپس به نهرملک^۶ و باروسما^۷ در کنار شعبات رود فرات رفته و پس از فتح این نواحی، دوباره این مسیر را به سمت جنوب بازگشته و به حیره^۸ می‌رود (همان: 62)؛ در حالی که راه منطقی و مستقیم‌تر این است که خالد از کسگر و هرمزدرج (در سواحل دجله) به سمت االیس، حیره، باروسما و نهرملک (در سواحل فرات) و سپس به انبار^۹ رود. از طرف دیگر نهرملک بسیار به مدائن نزدیک است و با شواهد تاریخی و عقلی برای حضور خالد، یک فرمانده دوراندیش، در این منطقه در تضاد است. (تنها خلیفه

۱. ابله از شهرهای قدیم ساسانیان واقع در ساحل شطالعرب بود که هوای گرم و تاب‌آلود داشت (لسترنج، 1377: 51).

۲. نزدیک ابله و بصره (حموی، 1995: 323/5).

۳. ولایتی مهم در شرق بطائح (لسترنج، همان: 47).

۴. نخستین نقطه عراق از طرف عربستان، در کنار بیابان (حموی، 1995: 248/1).

۵. از مکان این منطقه اطلاع دقیقی در دست نیست (توضیح خاکرنه بر: ابن خردادبه، 1371: 14).

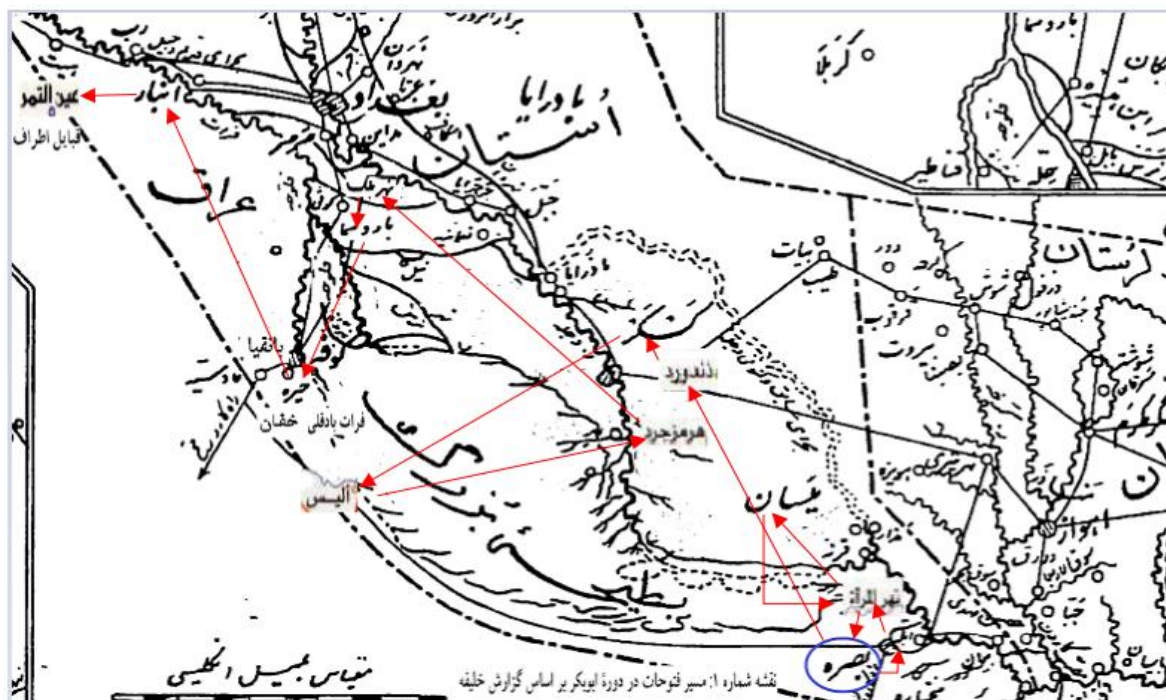
۶. نهرالملک سومین نهر منشعب از رود فرات که به دجله می‌ریزد (لسترنج، 1377: 74).

۷. یکی از نواحی سواد بغداد که به دو منطقه باروسمای علیا و سفلی تقسیم می‌شده است (حموی، 1995: 320/1).

۸. حیره در جنوب کوفه بود و یک فرسخ با آن فاصله داشت. دو کاخ خورنق و سدیر در اطراف آن قرار داشتند و جزء آن محسوب می‌شدند (لسترنج، 1377: 82).

۹. این شهر در طرف چپ فرات واقع بود و از شهرهای مهم ساسانی بود (همان: 72).

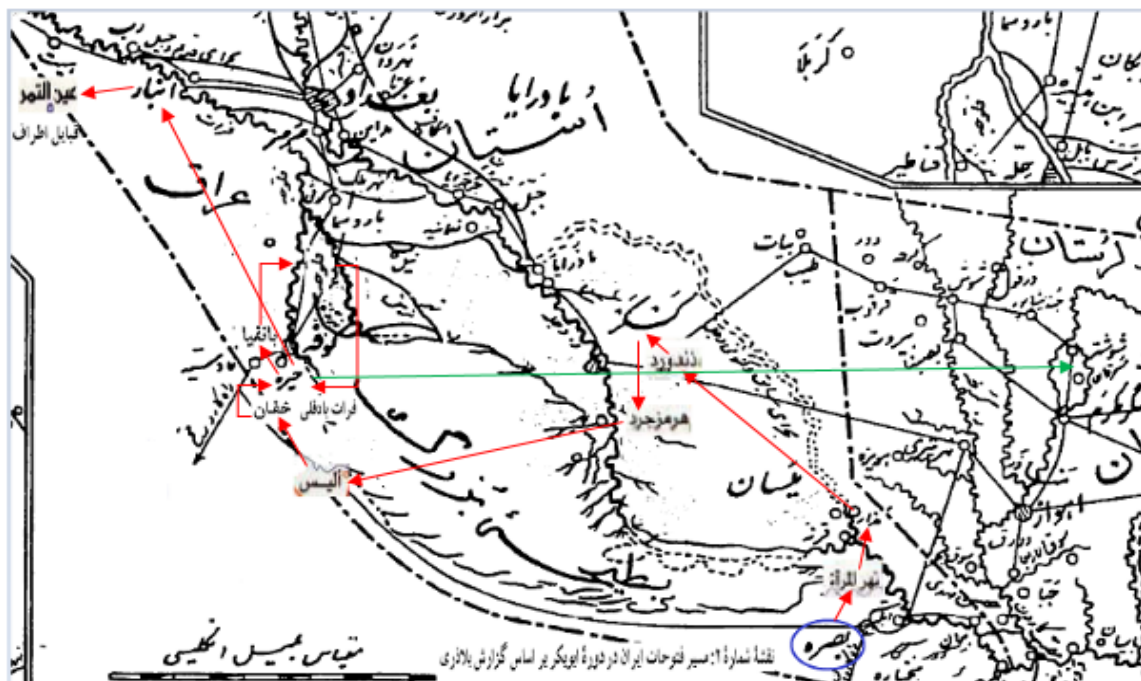
نام نهرملک را در میان مورخان قرن 3 ذکر می‌کند(ن.ک. جدول و نقشه شماره 1)¹، این مسیر نشان می‌دهد خلیفه دقت چندانی در ادغام روایات فتوح و ترسیم یک روایت یکدست و منطقی از مسیر فتوحات نداشته است.



با توجه به اینکه کتاب بلاذری به مسئله فتوح اختصاص یافته، گزارش او طولانی‌تر از دیگر مورخان قرن سوم هجری است. او تلاش دارد روایت‌های مختلف موجود تا عصر خود را جمع کرده و گزارشی یکدست از فتوح این زمان ارائه دهد. مسیر فتوحات خالد و مسلمانان (جدول و نقشه شماره 2)² را نشان می‌دهد و محتوای گزارش این مسیرها نیز چگونگی ادغام اخبار کوفی و بصری و روایات مدنی که بلاذری نقل کرده است. او در مجموع از 18 منزل و 11 عملیات جنگی سخن می‌گوید و همانند خلیفه فتوحات خالد را از منطقه بصره و شطّ دجله آغاز کرده و ادامه آن را در سواحل فرات روایت می‌کند(بلاذری، 1988: 238-245).

¹ اصل نقشه‌های این مقاله براساس نقشه استان عراق و خوزستان در کتاب لسترنج(1377: 40) تهیه شده است. از آنجا که لسترنج نام تمام اماکن را نداشت، از کتب جغرافیایی عصر متقدم مانند یعقوبی و یاقوت نیز، استفاده شد. اما باید گفت حدود این مکان‌ها تقریبی است. متأسفانه نقشه‌های اطلس‌های مونس(114)، ابوخلیل(43) و المغوث(67-70) بسیار ناقص بود. در این نقشه و سایر نقشه‌های پژوهش حاضر، نقطه شروع خالد با دایره آبی رنگ مشخص شده است.
² در نقشه شماره 2 نام برخی مناطق که در جدول شماره 2 آمده، وجود ندارد. از آن جمله خریبه است که همانطور که توضیح آن آمد، در نقشه بر بصره منطبق می‌شود.

جدول شماره ۲: منازل و مسیر فتوحات ایران در دوره ابوبکر بر اساس گزارش بلاذری			
منازل	نام منطقه	نوع برخورد:	توضیحات:
۱	نجاج	منزل (فروود آمد)	پیوستن مثنی بن حارثه به خالد بن ولید در این منزل.
	أبله	حملة اهل أبله به سوید	به فرماندهی سویدو خالد / کشتار زیاد، (ذکری از فتح این شهر نمی‌شود)
۲	خریبه (بلد مسحله عجمان)	فتح و اسیر	به فرماندهی خالد / فردی را از طایفه بنوسعد حاکم آن کرد.
۳	نهر المرأة	صلح	به فرماندهی خالد
۴	مذار- حیره	جنگ	به فرماندهی خالد / دادن ولایت منطقه بصره به عتبه بن غزوان و حرکت به سمت حیره
۵	کسکر	فتح	
۶	زندورد	#	فتح بعد از تیرباران اهالی آن
۷	درنی و توابع آن	فتح و امان به اهل آن	
۸	هرمزدرج	فتح و امان به اهالی آن	
۹	الیس و نهرالدم	جنگ با مثنی و صلح با خالد	جنگ جابان با مثنی در نهرالدم / صلح خالد با الیس
۱۰	مجتمع الیهار (مسلحه عذیب)	جنگ، شکست و فرار آزاده	آزاده رئیس مسلحه های کسری در نقاط مرزی
۱۱	خفان	نزول (فروود آمد)	ارسال قاصد به حیره و آمدن ابن یقیله و...
۱۲	حیره	صلح	سال ۱۲ / با عبدالملک و آنفر: ابن قبیصه شیبایی و ابن قبیصه طائبی / ب شرط ۸۰ یا ۱۰۰ هزار درهم؛ عدم ویرانی معابد و قصور آنها / جاسوس مسلمان پراهل فارس
۱۳	باتقیا	اول جنگ در اطراف / بعد صلح با شهر	جنگ با سواران عجم (فرخبنداد) با خالد یا بشیر بن سعد - «قتل فرمانده و هزیمت عجم / درخواست ابن صلوبا از جریر یا خالد به شرط ۱۰۰۰ درهم و یک طبلسانی و نوشتن عهدنامه
۱۴	فلایج	عدم جنگ	پراکندگی جمعی از عجمان
۱۵	حیره	بازگشت و نزول	رسیدن خبر آمدن سپاه جابان
	تستر	فرار جابان	اعزام مثنی با حنظله تمیمی / فرار جابان
۱۶	انبار	محاصره	شخصی خالد را به بازار سوق راهنمایی نمود و خالد مثنی را به آن بازار فرستاد
۱۷	بوازج انبار	کسب غنیمت بسیار	به فرماندهی جریر بن عبدالله بجلی
۱۸	عین التمر (مسلحه) و اعزام به قبایل اطراف	فتح عنوه و قتل و اسیر / غارت قبایل اطراف عین التمر	ابتدا جنگ اهالی و بعد درخواست امان آمدن آن توسط خالد



احمدبن یحیی همانند خلیفه قائل به فتوح در دو کرانه دجله و فرات است. محتوای روایت نشان می‌دهد او قالب مخصوصی را برای گزارش خود ابداع کرده است. وی فتح ایران در دوره ابوبکر را در 6 بخش اصلی توضیح می‌دهد و در ذیل هر بخش، چند تکمله اضافه کرده تا بتواند تناقض‌های فراوان روایات را جمع کند. بخش‌ها غالباً با عبارت «قالوا» آغاز شده و به نظر می‌رسد بلاذری روایت شایسته و پذیرفتنی خود را در این قسمت‌ها می‌گنجاند. تکمله‌ها را می‌توان پاورقی‌های امروزی حساب کرد؛ زیرا شبیه آنها، همراه با ذکر نام راوی یا سلسله سند راویان توضیح داده می‌شوند.

بخش اول طرح در پنج قسمت روایت می‌شود که موضوع آن ورود خالد به منطقه عراق و مسیر فتوحات وی در منطقه بصره و شطّ دجله است: سه قسمت نخست مربوط به چگونگی پیوستن رؤسای قبایل معروف اطراف سواد به خالد به امر خلیفه است¹، قسمت چهارم به نخستین پیروزی در خریبه اختصاص دارد (همان: 239)، قسمت پنجم بیان فتوحات و نبردهای خالد در نواحی رود دجله است که با این جمله خالد به قطبه که «ما این عجمان را در ناحیه تو چنان بکویدیم [...]» (همانجا) به پایان می‌رسد.

بلاذری در ذیل دو تکمله اقوال دیگر در باب مسیرهای خالد از شبه جزیره به بصره یا حیره را بیان می‌کند. در اینجا وی از حضور جریر بن عبدالله بجلی در عراق یاد می‌کند. اما چون از این حضور اطمینان خاطر نداشته است، عبارت «اللّه أعلم» را درباره آن به کار می‌برد (همانجا). بلاذری نیز، مانند ابن خیاط شروع فتوحات را از منطقه بصره آغاز می‌کند. همین انتخاب نخستین تناقض را در گزارش بلاذری روشن می‌کند. وی با وجودی که داستانش را از ماجرای مثنی شروع کرده است، اما نمی‌گوید که چرا روایت واقدی (تکمله دوم بخش اول) مبنی بر آمدن خالد ابتدا به حیره و نزد مثنی را، نمی‌پذیرد؟!

بخش دوم روایت مربوط به توضیح عبور خالد از مسیر شطّ دجله در شرق بطائح به سمت کرانه‌های فرات تا صلح حیره است که آن هم با عبارت «قالوا» شروع می‌شود. چهار تکمله این بخش روایت‌های موجود در باب صلح حیره را شرح می‌دهد. بلاذری به عنوان یک ادیب در یکی از این تکمله‌ها داستان درخواست خریم بن اوس از پیامبر (ص) مبنی بر اینکه «اگر خداوند حیره را بر تو بگشاید دختر بقیله [رئیس یکی از قصرهای حیره] را به من بده»، چاشنی روایت خویش می‌کند (همان: 241). علاوه بر این ظاهراً او قصد دارد نشان دهد مسلمانان عصر نبوی، از نیت رسول (ص) برای حمله به حیره خبر داشتند و لشکرکشی ابوبکر ادامه سیاست ناتمام پیامبر (ص) است.

بخش سوم مربوط به فتح بانقیاء² است. بلاذری می‌کوشد از میان روایات متناقض، روایتی یکدست درباره حضور جریر بن عبدالله بجلی در این نبرد و صلح با اهالی بانقیاء از سوی او یا خالد ارائه دهد. به نظر می‌رسد او نهایتاً خالد را انتخاب می‌کند، اما به این دلیل که به روایات ابومخنف و واقدی بسیار اعتماد دارد، حضور جریر را کاملاً رد نکرده است و این نشان می‌دهد او خود را برای حل کامل تناقض‌های خبرها متعهد و ملزم نمی‌داند (همان: 241-242). پنج تکمله بخش سوم به بحث مناطقی اختصاص یافته است که در سواد عهدنامه صلح دارند که خواهیم دید او به دنبال پاسخی به مشکل زمان خود در موضوع اخذ جزیه یا خراج است (همان: 242).

¹ معرفی مثنی بن حارثه شیبانی که به سواد فارسین شیبخون می‌زد، چگونگی آشنایی و درخواست او از خلیفه، دستور ابوبکر به او برای اطاعت از خالد بن ولید که به عراق اعزام شد (قسمت اول بخش 1)؛ وقوع اتفاق مشابه مثنی برای رئیس یک قبیله دیگر (مدعورین عدی عجلی) (قسمت دوم)؛ رسیدن خالد از شبه جزیره به بصره، پیوستن مثنی به او و درخواست کمک از او از طریق سوید بن قطبه از قبیله بکرین وائل برای جنگ با ابله، توضیح این نکته که سوید قصد داشت با بصره همان رفتار مثنی با کوفه [حیره] را انجام دهد (قسمت سوم).

² ناحیه‌ای در نزدیکی کوفه (حموی، 1995: 331/1)

بلاذری در بخش چهارم، مسیر فتوحات خالد را پس از بانقیا تا انبار (محل غله عجمان) بازسازی می‌کند. او خبر شبیخون خالد به سوق بغداد را رد می‌کند و با سه تکمله درباره مسئله فتح یا صلح انبار این بخش را به پایان می‌برد (همان: 244-242).

بخش پنجم همراه با بیش از پانزده تکمله بازسازی فتح عین‌التمر¹ و عملیات جنگی در مناطق و سکونتگاه‌های قبایل اطراف آن است. نویسنده خود را مؤلف به حل تمام اختلافات موجود در باب نوع فتح و هویت اُسرای این ناحیه نمی‌کند؛ اما بیش از همه فتح عنوه عین‌التمر را برجسته کرده است (همان: 244-245، 114).

بخش ششم و پایانی روایت به مبحث رفتن خالد از عین‌التمر به شام اختصاص داده شده است (همان: 114، 246). بلاذری ادیب در دو تکمله اول، دو شعر از اخباری‌ها حکایت می‌کند. محتوای این اشعار² به نوعی این تفکر بلاذری را نمایش می‌دهد که او عملیات زمان ابوبکر را هموار کردن فتوح زمان عمر تفسیر می‌کند و مانند دیگر مورخان اسلامی آن را از دریچه عبرت می‌نگرد که هر حکومتی روزی به زوال می‌رسد. بلاذری با ذکر دو تکمله دیگر یکی مربوط به زمان حرکت خالد در ربیع‌الاول یا ربیع‌الآخر سال 13 هـ و دیگری در رده این خبر که خالد از عین‌التمر به حیره و از آنجا به شام رفت، گزارش خود را از فتوح ایران در زمان ابوبکر به اتمام می‌رساند (همان: 247).

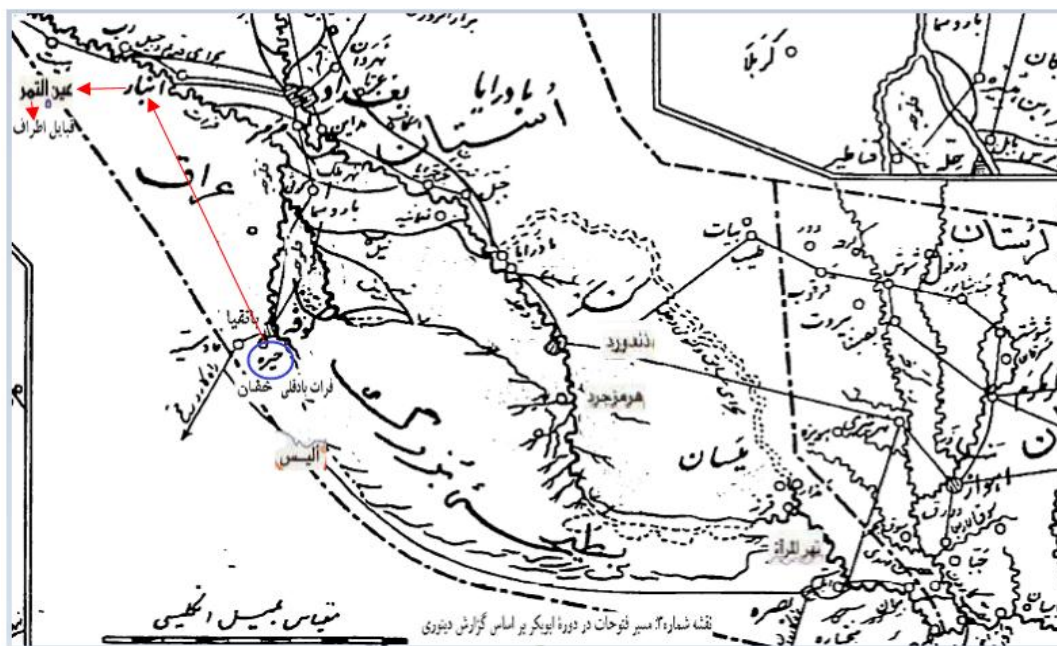
ادغام روایت‌ها به قدری ماهرانه انجام شده که احمد بن یحیی وقایع زمان عمر را از اعزام ابو عبید ثقفی به منطقه شروع می‌کند. او برخلاف ابن خیاط، در زمان عمر به فتوح بصره نمی‌پردازد. مناطق عملیاتی او به شدت با خلیفه نزدیک است. جز آنکه برخلاف او تاخت‌وتازهای پس از یوم مهران را با ذکر اسامی مناطق غارت‌شده به جای مثنی به مسلمانان نسبت می‌دهد و سعی دارد تصویری اسلامی‌تر و جهانی‌تر از فتوحات ارائه دهد.

ابوحنیفه برخلاف ابن خیاط بصری و بلاذری بغدادی، عملیات نظامی خالد بن ولید را تنها به شطّ فرات و آن هم به ذکر 4 منزل و 3 عملیات محدود می‌کند. او بدون بیان نام راویان خود، روایت فتوح زمان ابوبکر را با واژه «قالوا» آغاز می‌کند. این روایت به هفت قسمت تقسیم‌شدنی است: شیوع خبر ضعف «أرض فارس» با پادشاهی یک زن و آغاز غارت مرزهای «أرض عجم» در نواحی حیره و ابله از سوی مثنی بن حارثه و سوید بن قطبه (قسمت 1)؛ تقاضای یاری مثنی از ابوبکر؛ نامه ابوبکر به خالد بن ولید که از امر رده فارغ شده بود و امر او به جنگ با فارس و کراهت مثنی از انتخاب فرماندهی خالد به جای خود (قسمت 2)؛ محاصره و صلح خالد با حیره (3)؛ رسیدن نامه ابوبکر مبنی بر فرمان اعزام خالد به شام و جانشینی مثنی و عمرو بن حزم انصاری بر حیره (4)؛ عبور خالد بن ولید از انبار و محاصره عین‌التمر، امان‌ندادن، قتل و اسیرگرفتن ایشان به سبب قتل یکی از یاران فرمانده (5)؛ شبیخون خالد و قتل و غارت قبیله بنی تغلب و نمر و رسیدن او به شام (6)؛ تداوم حمله مغیره و عمرو بن حزم و غارت ارض سواد (7) (دینوری، 1368: 111، 112). نقشه و جدول شماره 3 این اطلاعات را نشان می‌دهد:

¹ پادگان بزرگ عجمان که در صحرای غربی فرات و جنوب هیت واقع بود (حموی: 1995: 176/4؛ لسترنج، 1377: 71).

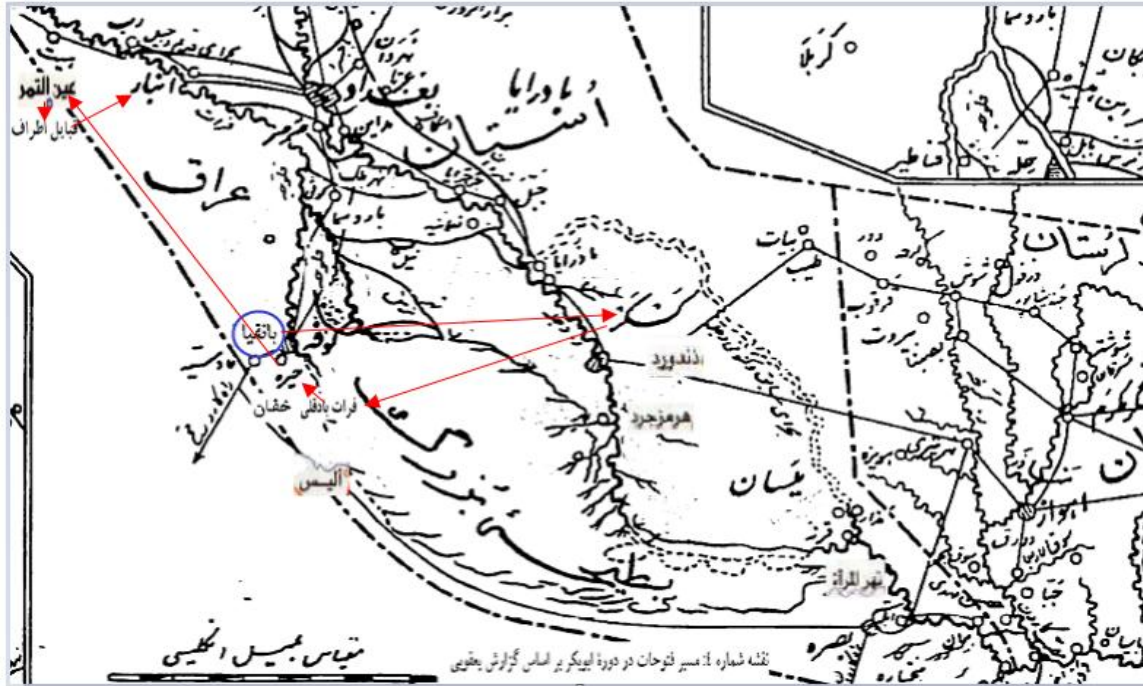
² تاخت‌وتازهای سپاه مثنی و مسلمانان سبب هراس کسری، پارسیان و کافران و دلیری مسلمانان شد. در نهایت از گردش حوادث عبرت‌ها می‌توان آموخت که همه امور رو به نیستی می‌گراید (همان: 247).

جدول شماره ۳: منازل و مسیر فتوحات ایران در دوره ابوبکر بر اساس گزارش دینوری:			
منازل	نام منطقه:	نوع برخورد:	توضیحات:
۱	حیره و ابله حیره (قصرهای سه گانه)	شبیخون و غارت دهقانان محاصره و صلح	توسط مثنی و سوید ۱۰۰ هزار درهم / فرمان ابوبکر برای رفتن خالد به شام، به فرماندهی خالد
۲	انبار	عبور (سار) / نامشخص	
۳	عین التمر (مسلمه)	محاصره عدم امان قتل و اسیر	محاصره به دلیل شروع تیراندازی عجمان، به فرماندهی خالد
۴	قبیله بنی تغلب و نمر	عبور و شبیخون قتل و غنیمت	به فرماندهی خالد
	ارض سواد	تداوم حمله و غارت	توسط مثنی و عمرو بن حزم



یعقوبی بدون ذکر راویانش، فتح عراق را از رود فرات و ورود خالد به منطقه شروع کرده و آن را در ۸ منزل و عملیات نظامی شرح می‌دهد. جدول و نقشه شماره ۴ این مسیر را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: منازل و مسیر فتوحات ایران در دوره ابوبکر بر اساس گزارش یعقوبی:			
منازل	نام منطقه	نوع برخورد:	توضیحات:
۱	پانقیبا	فتح و اسیر توسط خالد	
۲	کسکر	فتح و اسیر توسط خالد	
۳	مکان نامشخص	درگیری با یکی از ملوک عجم (جابان) / هزم (شکست جابان و قتل یارانش)، به فرماندهی خالد	
۴	فرات بادقلی	جنگ شدید و فرار نعمان، به فرماندهی خالد	
۵	خورنق و حیره	فرود در خورنق / صلح با مقدار ۷۰ یا ۱۰۰ هزار، فرمانده خالد	
	بحث ارتداد و زکات / غزو شام	ارسال نامه ابوبکر به خالد - حرکت خالد به طرف شام	
۶	عین التمر	محاصره و کشتن فرمانده (عقبه بن ابی هلال نمری)، به فرماندهی خالد	
۷	بنی تغلب و کنیسه یهود	قتل فرمانده (هدیل بن عمران) و اسیر توسط خالد	
۸	انبار	عبور	
۱	توج [نزدیک گازرون فارس]	فتح و اسیر توسط عثمان بن ابی العاص و عبدالقیس	
۲	مکران و ماورای آن	فتح توسط عثمان بن ابی العاص و عبدالقیس	



همانگونه که در جدول دیده می‌شود، یعقوبی تنها به عملیات نظامی در مناطق مهم بسنده کرده که احتمالاً به سبب موجزگویی اوست. شیوه‌ای که در توضیح اماکن در *البلدان* هم دیده می‌شود (ن.ک. یعقوبی، 1422: 85-71) همچنین، مطابق با جدول، او قائل به عملیات نظامی در دو شط است. تنها ذکر کسکر (در ساحل دجله) نظم منطقی مسیرهای فتوح متن او را بر هم زده است. او تنها مورخ این قرن است که از فتح کسکر سخن می‌گوید؛ در حالی که معقول نیست که خالد از بانقیا در نزدیکی حیره به ولایت مهم کسکر در شرق بطائح در ساحل دجله^۱ رود و پس از فتح آن، دوباره به ناحیه فرات بادقلی در کرانه فرات^۲ بازگردد. این تناقض در گزارش فتوحات پیش از قادسیه در زمان عمر و همچنین، در تطابق نداشتن برخی زمان‌ها در *البلدان* هم دیده می‌شود^۳ (یعقوبی، بی تا: 143/2، 142-134، 131-134). قسمت پایانی روایت او یعنی فتوحات در توج و مکران بدون مقدمه و هیچ توضیحی بیان می‌شود که به لحاظ بُعد جغرافیایی و زمانی منطقی به نظر نمی‌رسد (همان، 134).

3. برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها در محتوای روایات فتح ایران

خلیفه در روایت فتوح این دوره بیش از همه از واژه صلح (7 بار) و سپس فتح (2 بار) استفاده می‌کند. واژه صلح دو بار برای منطقه بصره و دجله و سه بار برای مناطق کناره فرات به کار می‌رود (همان: 62-61). در این میان مقدار مال الصلح مناطق به جز انبار ثبت شده، اما تنها تاریخ دقیق صلح اسیس مشخص شده است. تاریخ خلیفه تنها متن در میان آثار تاریخ‌نگاری قرن 3 هجری است که از صلح با انبار خبر می‌دهد (همان: 62). در این گزارش کلمه «مُسلمون» فقط یک بار (آن هم در

^۱ این ولایت محصول برنج خوبی داشته و در چراگاه‌های آن بز، گاو میش و... پرورش می‌دادند (لسترنج، 1377: 47). بطائح به معنی مرداب است و زمین پهناوری مابین بصره و واسط بوده که آنجا را آب‌های بسیاری فراگرفته بود (حموی، 1995: 450/1).

^۲ ناحیه‌ای در اطراف کوفه آتی (یعقوبی، 1422: 146).

^۳ با آنکه در فتوحات مسیر دجله از فرات جدا شده اما درگیری در مذار در مسیر شط فرات توضیح داده می‌شود (یعقوبی، بی تا: 143/2-142) یا در تاریخ یعقوبی ساخت بصره در 14 هـ و در *البلدان* در 17 هـ ثبت شده است. (یعقوبی، 1422: 17).

روایت اول یعنی فتح ابله) آمده (همان: 61)، واژه‌های «عَجَم»، «مُشْرِك»، «فُرس» و مانند آن برای ایرانیان و عبارت «هزمهم الله» هرگز استفاده نشده‌اند؛ در حالی که این واژگان در فتوح پیش از قادسیه در زمان خلیفه دوم برای مناطق عراق و شام به وفور به کار می‌رود (ن.ک. همان: 71-66). از این رو، این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که آیا ابن‌خیاط به فتوحات جدی در دوره خلافت ابوبکر بی‌اعتقاد بوده یا قصد نداشته است فتوح این دوره را در زنجیره گزارش فتوح بزرگ و مهم جلوه دهد.

خلیفه در روایت خود می‌کوشد گزارش عملیات منطقه بصره را با ذکر جزئیات بیان کند و منطقه فرات و کوفه آینده را به حاشیه براند. از میان 7 روایت، 4 روایت به بصره اختصاص داده می‌شود. مهم‌تر آنکه برخلاف متون دیگر قرن سوم ابن‌خیاط، قطب‌بن‌قتاده سدوسی را در کنار نام خالد برجسته کرده و همزمان در ادامه گزارش، تنها یک بار نام مثنی را برده و توصیفش را با غارت و شبیخون همراه می‌کند. او حاضر نیست نام حیره را ذکر کند، در حالی که نام ابله و بصره بسیار تکرار می‌شود. در فتوح پیش از قادسیه در زمان خلافت عمر نیز، فرماندهان بصره آشکارا برجسته شده و با عقیده معنوی دین در امر جنگ پیوند می‌خورند؛ در حالی که بر اختلاف و رقابت شدید مثنی با جریر بر سر فرماندهی سپاه (امری دنیوی) تأکید می‌شود (خلیفه، 1995: 70).

در گزارش فتوح البلدان، واژه‌های «جنگ» 5 مرتبه، فتح 6 بار برای شش منطقه و صلح 21 مرتبه برای چهار منطقه تکرار شده است. متن فتوح البلدان همانند تاریخ خلیفه در صلح با اهالی نهرالمراء، اَلیس و حیره با یکدیگر هم‌نظر، اما برخلاف آن به جای اَنبار، به صلح بانقیا اشاره دارد. بنابر روایت بلاذری، مقدار و شروط صلح با مناطق اَلیس و حیره مشخص بوده است. او با همه دقتی که در ارائه تصویری دقیق از تاریخچه فتوحات این زمان دارد، برخلاف ابن‌خیاط درباره تاریخ وقوع این عملیات سکوت کرده است. عبارت‌های «فُرس» (5 مرتبه)، «عَجَم» (7 مرتبه) و «مسلمون و مسلمین» (9 مرتبه) تکرار می‌شوند. نمایشنامه بلاذری از نخستین پیروزی (ابله) رنگ ایمانی به خود گرفته و جنگ، نبرد نیروهای کفر و ایمان روایت می‌شود. او با ذکر جملاتی منسوب به خالد و کاربرد عبارت «قتل الله منهم بشرا، و غرق طائفه»¹ میان غزوه‌های عصر رسول‌الله (ص) و زمانه ابوبکر پیوند برقرار می‌کند.

در مجموع، بلاذری یک روایت یکدست و متناسب با تاریخ خلافت بزرگ اسلامی عباسی را نسبت به دیگر مورخان معاصرش ارائه می‌کند که روایتشان رنگ و بوی تاریخ محلی دارد. او برخلاف ابن‌خیاط و دینوری افتخار فتوح این مناطق را نه به فرماندهان محلی و قبایله‌ای بلکه به فرمانده خلیفه اسلام (خالد) نسبت می‌دهد. او با هدف ساخت یک تاریخ‌نگاری خلافتی و جهانی نشان می‌دهد چگونه شبیخون‌های پراکنده زیر چتر پرچم اسلام و خلیفه وحدت گرفته و به امر فتوح منجر می‌شود. به همین دلیل همان‌گونه که بلاذری روایت بخش فتوحات شطّ دجله را با فرمان خالد به نصب قطبه بر نواحی بصره به پایان می‌رساند، بخش لشکرکشی‌های ساحل فرات را با انتصاب مثنی بر ناحیه کوفه به انتها می‌برد تا یکپارچگی خلافت اسلامی را به تصویر کشد (همان: 114، 239).

در اخبار الطوال، واژه فتح ذکر نشده، نام «محاصره» برای دو منطقه حیره و عین‌التمر، کلمه «صلح» و مال‌الصلح فقط برای ناحیه حیره و «غارت» با بیشترین فراوانی (5 بار) به کار می‌رود. در این بخش، برخلاف فتوحات عصر عمر، واژه «کفار و هزمهم الله» به کار نرفته، به جای آن واژه‌های ارض فارس، ارض عجم، فارس بیان شده و کلمه «مسلمین» فقط برای شرط صلح حیره استفاده شده است (همانجا).

¹ «فقال خالد: احملاوا علیهم فانی أری هیئتة قوم قد ألقى الله فی قلوبهم الرعب، فحملوا علیهم فهزموهم.» (بلاذری، 1988: 239)

در این گزارش، برخلاف روایت بلاذری و ابن‌خیاط، نام مثنی (8 مرتبه) نسبت به خالد (5 بار) بیشتر برجسته‌سازی شده است. البته برجسته‌سازی مثنی با مسئله غارت و شیخون پیوند می‌خورد. این برجسته‌سازی تا جایی است که عملیات نظامی خالد بین اشاره به دو غارت مثنی و سوید از ارض سواد روایت می‌شود. او بیش از مورخان دیگر مسئله شیخون و غارت مثنی و فرمانده خلیفه (خالد) را برجسته می‌کند تا جایی که این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که آیا دینوری به فتح سواد در زمان ابوبکر اعتقاد داشته است. نگاهی به روایت او از عملیات نظامی تا پیش از قادسیه، می‌تواند راه‌گشا باشد. دینوری فتوح زمان عمر را در دو بخش عملیات شطّ فرات و شطّ دجله (ناحیه بصره) شرح می‌دهد. در عملیات شطّ فرات واژه «فتح» به کار نمی‌رود و کلمات جنگ و غارت مثنی از مسلمانان برجسته می‌شود. فرمانده خلیفه در حاشیه و نام مثنی با تکرار فراوان با قهرمانی و عامل پیروزی در جنگ‌ها پیوند داده می‌شود. در مقابل، واژه جنگ و فتح برای منطقه شطّ دجله و ناحیه بصره به وفور استفاده شده است. اما در این ناحیه فرمانده عمر سبب موفقیت‌هاست و نام سوید فقط یک بار به کار می‌رود. برجسته‌سازی پیروزی‌های ناحیه حیره و مثنی به قدری زیاد است که دینوری روایت شطّ دجله را با این خبر به پایان می‌برد که زمانی که اخبار مثنی و پیروزی او در نبرد مهران به اطلاع سوید رسید، وی نیز از عمر طلب امداد کرد. نامه عمر به عتبه بن غزوان، فرمانده اعزامی خود به بصره نگاه دینوری را بهتر روشن می‌کند: تو اهواز را به خود مشغول دار تا نتوانند به یاری ایرانیان به ناحیه سواد عراق بروند (همان: 116). این جمله اعتقاد دینوری را نشان می‌دهد که از نظر او در زمان ابوبکر برنامه فتحی در منطقه سواد نبوده و تنها زمان عمر این غلبه کامل می‌شود.

قالب ادبی ویژه‌ای در گزارش فتوح یعقوبی دیده می‌شود. قالب «صار ... فافتحتها و سبی من فیها» بارها در جملات تکرار می‌شود (یعقوبی، بی تا: 131). در تاریخ او کشف زمان رویدادها مهم نیست؛ اما دقت و تلاش برای ثبت اسامی فرماندهان ایرانی انجام شده است (همان: 133، 131) واژه «صلح» فقط برای حیره، کلمه «فتح» 2 بار و «قتال» 1 مرتبه و «قتل» 3 بار تکرار می‌شود (همانجا). استفاده نکردن از کلمات «غارت و غنیمت» و اهمیت نداشتن حضور قبایل، احتمالاً جدی نبودن این نبردها را در ذهن نویسنده بازتاب می‌دهد.

این مورخ در انجام صلح با حیره و ذکر مقدار مال‌الصلح آن با مورخان هم‌عصرش هم‌نظر است. او همانند بلاذری و برخلاف دو مورخ دیگر نقش خلافت مرکزی و فرمانده آن خالد را برجسته می‌کند؛ اما مثنی را در حاشیه قرار داده و از سوید هرگز در دوره دو خلیفه (ابوبکر و عمر) نامی نمی‌برد (همان: 142-139، 133-131) تاریخ یعقوبی از دو منظر به اخبار الطوال شباهت و با دو متن دیگر تفاوت دارد: نخست آنکه همانند آن فتوحات بصره در عصر عمر روایت می‌شود (همان: 143)، دوم آنکه به وضعیت دربار ساسانی توجه شده اما پادشاهی پوران و قدرت‌یابی رستم و فیروزان، دو فرمانده فرومایه، طبق گفته یعقوبی، را مصادف با فرمان عمر در گسیل ابوعبیده ثقفی می‌داند. رویارویی بین دو گروه در زمان پادشاهی یزدگرد در نخیله رخ داد و به قدرت‌یابی اعراب در سواد انجامید (همان: 143-142).

یعقوبی در ذیل بخش فتوحات شام به تصمیم ابوبکر برای حمله و مشورتش با صحابه مدینه اشاره می‌کند؛ اما این تصمیم درباره عراق تا زمان قادسیه و تصمیم و مشورت عمر کاملاً مسکوت گذاشته می‌شود (همان: 143، 133-132) همچنین برخلاف اخبار جنگ‌های ارتداد و شام در عصر ابوبکر و فتوح عراق در زمان عمر، واژه‌های «مسلمین» و یاری خداوند در این بخش استفاده نمی‌شود. این دو مسئله این نظر را به ذهن متبادر می‌کند که به احتمال زیاد در بینش یعقوبی برنامه جدی برای حمله به ایران در زمان ابوبکر وجود نداشته است.

وضعیت تاریخی تولید متون

چرایی شباهت‌ها و تفاوت‌های یاد شده در روایات فتوح متون تاریخ‌نگاری قرن 3هـ در پرتوی تأمل در شرایط تاریخی قرن سوم فهمیده می‌شود که این بخش مقاله به آن اختصاص یافته است. تمامی این نویسندگان به فضای عراق و ایران تعلق دارند، اما بلاذری در فضای بغداد و ابن‌خیاط و دینوری در بصره و ماه‌کوفه و احتمالاً یعقوبی در ارمینیه و آذربایجان به نگارش آثار خویش پرداختند. نگارش در مکان متفاوت، طبعاً مخاطبان یکسانی نخواهد داشت و این در تفاوت و شباهت جزئیات روایات مورخان تأثیرگذار بوده است. هرچند جز بلاذری ما از مخاطبان دیگر مورخان بی‌اطلاعیم، تلاش بر این است در ذیل سخن از عوامل مؤثر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرن سوم، تأثیر مکان و مخاطبان احتمالی نیز در شیوه خاص بازنمایی فتوح در آثار هر یک از این مورخان نشان داده شود.

1. آشفتگی مالی خلافت در نیمه نخست قرن 3هـ

عباسیان از همان ابتدا در پی تشکیل یک خلافت یکپارچه و مقتدر جهانی بودند و از تمام امکانات موجود برای ساخت آن بهره بردند. آنها برای کارآمدی و برپایی این نوع حکومت خیلی زود به ایجاد ارتشی قدرتمند و ثابت و نیز سیستم یکپارچه اداری و مالی دست زدند که لازمه آن داشتن درآمد مستمر بود. این درآمد به‌ویژه از طریق خراج و عایدات حاصل می‌شد. فتح صلح‌آمیز یک شهر منجر به دریافت مالیات جزیه و خراج جزیه‌ای می‌شد که با اسلام آوردن ساکنان آن شهر این نوع مالیات حذف می‌شد، اما حق خرید و فروش زمین همچنان باقی می‌ماند، لذا درآمدی ناپایدار بود. در نقطه مقابل اگر شهری به عنوة (جنگ) فتح می‌شد، زمین‌ها و اموال آن جزء فیء و بیت‌المال مسلمانان محسوب می‌شد. حق خرید و فروش زمین منع و مالیات آن خراج بود که با مسلمان شدن ساکنان شهر حذف نمی‌شد و درآمدی مستمر برای حکومت به شمار می‌آمد. این نوع مالیات به سبب استمرار آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود (اجتهادی، 1363: 227-229، 180-181). پس وضع دقیق مالیات به‌ویژه خراج و عایدات سرزمین مرکزی خلافت یعنی عراق که سلطه خلیفه در آن منطقه بیشتر از نقاط دیگر بود، از دغدغه‌های مهم خلافت شد. تلاش برای حل مسئله خراج از زمان هارون‌الرشید با نگارش کتاب *الخراج قاضی ابویوسف* آغاز شد و در دوره اول خلافت عباسی با حمایت آنها از تولید کتب فقهی یحیی‌بن‌آدم (م. 203) و قاسم‌بن‌سلام (م. 224) استمرار یافت. این فقها گرچه تلاش داشتند وضعیت زمین‌ها به‌ویژه سواد عراق را بیشتر با تخصیص فصلی مستقل، حل کنند، باز هم مطابق با شیوه فقهی ارائه احادیث و احکام متناقض، وضعیت نوع مالیات برخی از شهرها بلا تکلیف باقی ماند (یحیی‌بن‌آدم، 1435: 77-71؛ قاسم‌بن‌سلام، 1986: 116-118، 46-47) در زمان عباسی به‌ویژه قرن 3هـ مردم شهرهای مختلف سواد ادعای فتح به صلح را داشتند که ظاهراً این ادعاها در بصره نسبت به کوفه بیشتر بود (شبان، 1388: 96).

با شروع دوره دوم عباسی و سلطه ترکان و کاهش اقتدار خلافت، در کارکرد ساختار سیاسی و دیوانی اختلال زیادی به وجود آمد. در این زمان وزراء و دیوانیان بیت‌المال را چپاول می‌کردند و با تعویق پرداخت‌های حقوق سپاهیان، ترکان به اشاره فرماندهان خود بیت‌المال را غارت می‌کردند. کسری فراوان بودجه نتیجه آن بود. خلفا تلاش کردند این وضعیت را سامان دهند و یکی از طرق آن دستور نگارش کتابی در زمینه فتوح بود که این مهم به بلاذری، ندیم دربار سپرده شد. با آنکه بلاذری در بحث خراج مطالب خود را از مشیخه فقیه خود (قاسم‌بن‌سلام) گرفت، اما کتاب او یک مزیت عمده نسبت به این کتب فقهی داشت و آن یکدستی بیشتر در جمع‌آوری روایات متناقض بود. امری که می‌توانست وضعیت خراج و مالیات مناطق به‌ویژه عراق را شفاف کند. برای این منظور او از روایات اخباری‌ها و سفرهایی که انجام داده بود هم بهره برد. میراث

و تلاش‌های نویسندگان این دوره از جمله بلاذری در ترمیم اوضاع مالی و اصلاحات، در دوران خلافت معتمد و معتضد خود را نشان داد.^۱

بلاذری تلاش کرد نوع فتوحات را روشن کند و سرزمین‌های مفتوح به صلح را به چهار منطقه تقلیل داد، اما او هم نتوانست از روایات متعدد متناقض بگذرد؛ از این رو در تکمله‌های خود از آنها سخن گفت. یکدست کردن او تلاش موفقی بود برای حل مسائل بخرنج در نوع مالیات؛ به‌ویژه در زمانی که نظم در دیوان مالی وجود نداشت. در مقابل، چون در این زمان، ادعاها و اختلاف مالکیت زمین در بصره بیش از کوفه بود (همانجا)، برخلاف بلاذری که در بغداد و برای خلافت مرکزی می‌نوشت، خلیفه و یعقوبی که مخاطبی همچون دستگاه خلافت نداشتند، دغدغه‌شان برای یکدستی روایات کمتر بود، به همین سبب تناقض بیشتری در متون آنها وجود دارد.

2. بحران در ساختار نظامی خلافت

عباسیان کوشش کردند در راستای یک حکومت جهانی سپاهی مقتدر به‌وجود آورند. اما در قرن 3هـ نظامیان به‌خصوص فرماندهان ترک بر حکومت مسلط شدند و از اقتدار خلیفه به شدت کاسته شد. سرباز-بردگان به جای خلیفه از فرماندهان خود اطاعت می‌کردند. تجدید اقتدار خلافت یکی از اهدافی بود که در متون تاریخ‌نگاری و رساله‌های نظامی این عصر دنبال شد. نگارش این رساله‌ها از زمان هارون آغاز شده بود و همانند کتب فقهی، ابوابی درباره قواعد جنگ داشت. محتوای این متون در خصوص نحوه تقسیم غنایم، لزوم پرهیز از خیانت در آنها و وجوب مشورت فرماندهان ترک بود. در این رساله‌ها با استناد به سیره نبوی (ص) و خلیفه دوم به مخاطبان تأکید می‌شد که حق دخل و تصرف در نوع تقسیم غنایم برعهده خلیفه است (درباره محتوای این رساله‌ها ن.ک. سوید، 1387: 307-331) از دیگر سو، مورخان این قرن در بازسازی خبر فتوح دوره ابوبکر با تأکید بر اینکه خلیفه فرمانده اصلی فتوح بوده و خالد و رؤسای تمام قبایل تحت امر نامه‌های وی در مدینه بودند، به مشکل زمانه خود پاسخ می‌دادند. به‌ویژه آنکه بلاذری تأکید دارد که خالد مال الصلح حیره را بدون دخل و تصرفی به نزد ابوبکر در مدینه فرستاد (بلاذری، 1988: 240) یعقوبی هم به ارسال اُسرای عین‌التمر به فرمان خالد به نزد خلیفه اشاره می‌کند (یعقوبی، بی تا: 133) بدین ترتیب مؤلفان این متون با برقراری پیوند میان اطاعت از خلیفه و موفقیت چشمگیر سپاه اسلام در فتوحات زمان خلفای راشدین، کوشیدند تبعات عدم اطاعت از خلیفه را به مخاطبان زمانه خود گوشزد کنند.

3. تسلط اندیشه درهم‌تنیده فرهنگ اسلامی و مقام خلافت

در این دوره در قرائت رسمی، پذیرش و تداوم فرهنگ اسلامی با تأیید نماینده سیاسی آن یعنی خلافت گره خورد و هر یک لازم و ملزوم یکدیگر شناخته شدند. این امر به یک ارزش فرهنگی مسلط در جهان اسلام آن روز تبدیل شد. این ارزش از طریق حمایت نهاد سیاسی، تلاش نهاد دینی اهل حدیث و تأیید محدثان و فقها به‌عنوان نمایندگان علومی که در این قرن بر جهان اسلام سیطره پیدا کردند، در جامعه سده سوم نهادینه شد. در این راستا، عباسیان به کارکردهای دانش از جمله تاریخ‌نگاری برای تحکیم چنین ارزشی و توانایی اتصال آنان با تاریخ مقدس و مقبول گذشته مسلمانان پی بردند و به حمایت از آن پرداختند. این مسئله فقط در متون تولیدی در بغداد، مرکز جهانی علم اتفاق نیفتاد، بلکه به پایتخت‌های ایالات و مراکز سابق علمی چون بصره و کوفه که هنوز در این سده اهمیت داشتند، نیز نفوذ کرد (برای کوفه و بصره ن.ک. طحاوی، 1360: 26-22). در این فضا، تقریباً تمام مورخان این سده با گرایش‌های مختلف، شعوبی، معتدل یا عربی، چنین خوانشی از فرهنگ اسلامی را پذیرفتند؛ از این رو می‌توان آنها را ذیل فرهنگ ایرانی اسلامی یا اسلامی عربی مطالعه کرد. نگاه

^۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه تغییرات دوره این خلفا ن.ک. ناظمیان فرد، 1394؛ احمدی‌منش، 1394.

این نخبگان تاریخ‌نگار مانند دیدگاه سران دانش فقهی و حدیثی به خلافت اسلامی به عنوان یک پیوستار در زنجیره تاریخ اسلام متمرکز شد. از این رو بحث عمده موضوعات تاریخ‌نگاری به مسائل سیاسی پیرامون خلافت به عنوان مظهر حفاظت از اسلام اختصاص یافت. به همین دلیل در روایت این مورخان عملیات نظامی قبایل در مرزهای عراق نیز با خلافت ابوبکر و فرمانده بودن او معنا یافت. به طور مثال بلاذری تداوم طبیعی حضور رؤسای این قبایل در سکونتگاه‌هایشان را با بحث نصب فرمانده به فرمان خلیفه پیوند می‌زند تا یکپارچگی خلافت اسلامی را به تصویر کشد. همچنان که این روایت نشان از شکل‌گیری یک تاریخ‌نگاری خلافتی و جهانی است که سعی در ارائه روایتی بزرگ‌تر از تاریخ‌نگاری قبیله‌ای و منطقه‌ای دارد. بیان او از تاریخ فتوح این دوره، تفسیر «والعاقبة للمتقين» و تاریخ رستگاری امت و خلافت اسلامی را بازتاب می‌دهد.

4. تفاهرهای قومی و رقابت‌های محلی ذیل پرچم فرهنگ اسلامی حاکم

با حمایت دانش وقت از حکومت بغداد و تلاش برای حفظ یکپارچگی آن، طبیعی بود مفاخرات قبیله‌ای و قومی به حاشیه رود و افتخارات خلافت اسلامی و عقیدتی پررنگ‌تر شود. با وجودی که با سیاست تمرکزگرایی و به دنبال آن توسعه شهرنشینی و تمدن، از میزان رقابت‌های قومی، قبیله‌ای و منطقه‌ای به ویژه میان کوفه و بصره کاسته شد، اما از میان نرفت. مطابق شواهد موجود در سده 3 هجری هنوز بقایای آن در این شهرها وجود داشت.¹ همچنان که هنوز هم تفاهر قومی میان عرب و عجم مسئله جدی بود.² اگرچه مورخان این بستر همگی کلیت خلافت اسلامی را پذیرفتند و اصل کتاب خویش را بر پایه آن تنظیم کردند، نگرش‌های قومی و قبیله‌ای مندمج در خودآگاه و ناخودآگاه تعلقات مکانی و پایگاه اجتماعی آنان، اثرات خود را در نحوه بیان جزئیات حوادث بر جای گذاشت.

فرهنگ اسلامی عربی در اثر بلاذری، ندیم دستگاه خلافت بغداد و خلیفه بن‌خیاط، اهل حدیث بصره³ و نیز، یعقوبی، کاتب و مولای بنی‌عباس پررنگ است. بخش فتوح کتاب‌های تاریخ خلیفه و فتوح البلدان بلاذری همانند آثار انساب‌الاشراف و طبقات آن دو محل مناسبی بودند که آنها برجسته‌سازی قوم عرب را دنبال کنند (در این خصوص دوری، بی‌تا: 129، زکار، 1967: 181-183 و ظریفیان و صیامیان، 1391: 131 اشاره‌های مختصری دارند). اما چون بلاذری متعلق به کلان‌شهر بغداد است، به یک میزان به فتوح دو منطقه بصره و کوفه آتی توجه می‌کند. درحالی که خلیفه بصری نمی‌توانست از بندهای رقابت دیرینه وطنش با کوفه آزاد باشد. در مجموع محتوای روایت خلیفه از فتوح دوره ابوبکر و ادامه آن تا پیش از قادسیه یک خبر را به خواننده القاء می‌کند و آن اهمیت بیش از اندازه فتوح بصره در این دو بازه زمانی است. خلیفه تلاش می‌کند فتوحات این منطقه و فرماندهان عرب آن را شکوهمند و معنوی نشان دهد. در مقابل وی از مثنی و جریر بجلی از قبایل ساکن در اطراف حیره (کوفه آینده) یا نام نمی‌برد یا آنان را همراه با انگیزه‌های قتل و غنیمت، شبیخون و کسب منافع دنیوی توصیف می‌کند. درحالی که ابن‌خیاط در دوره عمر دوباره عنوانی مستقل برای فتوح بصره در نظر گرفت و حتی تأسیس بصره را به سال 14 هجری باز گرداند. اما در وقایع این سال، حوادث شط فرات را محدود به غارت‌های مثنی کرده و بدون توضیح یا اشاره به یوم مهران، تنها نزاع مثنی با جریر بر سر امارت دنیوی منطقه سواد را برجسته کرده است (خلیفه، 1995: 66-70)

¹. حضور این رقابت‌ها در زمان مأمون ثبت شده است (ن.ک. صالح احمدعلی، 1413: 46) اما به جز منابع غیر تاریخ‌نگاری، به سبب سلطه ترکان و مشکلات داخلی خلافت، از چگونگی حضور آنها در نیمه دوم قرن 3 هجری اطلاعی در دست نیست.

². برای اطلاعات بیشتر (ن.ک. آرنوش، 1387: 127, 122, 199-181)

³. در این زمان به نظر می‌رسد بیشتر علمای بصره در حوزه‌های حدیث، فقه و تفسیر فعالیت داشتند (ن.ک. ناجی، 1407: مطلوب، 1982).

در مقابل، ابوحنیفه را باید ذیل فرهنگ ایرانی اسلامی که در وطن او حاکم بود، مطالعه کرد. ابعاد سیاسی و فرهنگی جریان شعوبی در دینور فعال بود. در این سده سرخ‌جامگان در جریان قیامشان از این شهر به‌عنوان پایگاه خود استفاده کردند (کریمیان و دیگران، 1391: 5-6). همچنین یافته‌های سفالی قرون 4-1 هـ در منطقه دینور هنوز از تسلط تزئینات ساسانی در سفال‌های این مکان حکایت دارد. امری که نشان از تداوم فرهنگ ایرانی در آنجاست (همان: 16) در زمینه فرهنگی، متونی با گرایش‌های ایران‌گرایی همچون *اخبار الطوال* در این شهر که یکی از مراکز مهم علمی به‌ویژه در زمینه ادب بود، تولید شد (برای اطلاعات بیشتر ن.ک. صبوری، 1388؛ معصومی و عبدالملکی، 1393: 250، 252، 258). اهمیت ایران در اذهان مردم این منطقه چنان بود که دینوری برای هم‌وطنان مخاطبش جریان تاریخ فتح ایران را با ذکر اسباب ضعف دربار شاهنشاهی ساسانی آغاز کرد.

از طرف دیگر، تداوم رقابت‌های شهری و منطقه‌ای کوفی در دینور (ماه کوفه) سبب شد او همانند خلیفه از دریچه تفاحر منطقه‌ای به مراحل آغازین فتوح بنگرد. اما وی برخلاف ابن‌خیاط تصویری کم‌اهمیت از فتوحات منطقه بصره ارائه کرد. ابوحنیفه در عین برجسته‌سازی فتوح اطراف کوفه آتی، روایت فتح بصره در زمان خلیفه اول را مسکوت گذاشت. او درباره سرانجام غارت سوید از ابله، پیش از ورود خالد به منطقه، هیچ توضیحی نمی‌دهد. در گزارش فتح دوره خلیفه دوم هم نام سوید تنها یک بار در ذیل نام عتبه، فرمانده عمر مطرح شد. خبرهایی چون نامه عمر به عتبه برای مشغول داشتن مردم اهواز در جریان عملیات فرات، اعطای افتخار تمام جنگ‌ها و فتوحات به عتبه و نیابردن نام سوید، برخلاف نام مثنی در حیره و همچنین، تأکید بر مشارکت بیشتر قبایل در فتوحات بصره پس از شنیدن خبر غنایم بسیار در این منطقه، همگی این پیام را به ذهن متبادر می‌کند که فتوح بصره در حاشیه حوادث و تحت تأثیر فتح حیره به وقوع پیوسته است. شاید به همین دلیل است که برجسته‌سازی پیروزی‌ها در این منطقه بیش از آنکه مانند منطقه حیره و فرات نتیجه تلاش و رشادت مسلمانان و فرمانده آنها باشد، در اثر یاری خداوند ذکر می‌شود (دینوری، 1368: 115, 119).

همانطور که رایبسنون نیز، به درستی به آن اشاره دارد، یعقوبی ادیب و مورخی واقعاً پیچیده است (رایبسنون، 1389: 234, 235) تناقض‌های روایت او از فتوح ایران به نسبت دیگر مورخان با وضوح بیشتری دیده می‌شود. یکی از دلایل این امر آن است که او زاده مصر بود¹ و کتاب را پیش از سال 260 هجری که آغاز سفرهای اوست، نگاشته و *البلدان* نتیجه آن سفرهاست. به همین علت دقت نظر او در ثبت مسیرهای فتوح عراق کم بوده است که البته بعدها هم چندان محل اعتنای مورخان بغداد واقع نشد. ابن‌واضح جزء موالی بنی‌عباس و وفادار به این خلافت بود و در غیر عراق سکونت داشت. پس از دغدغه‌های هویت‌سازی و تفاخرهای قومی و منطقه‌ای بین‌النهرین آزاد بود. به همین علت وی دل‌مشغولی چندانی برای بزرگ‌نمایی فتوح دوره ابوبکر نداشت و برخلاف سه مورخ دیگر فرماندهان قبایل بصره و کوفه، مثنی و سوید، را به حاشیه می‌برد و مانند بلاذری آشکارا نقش فرمانده خلافت، خالد، را برجسته می‌کند.

از طرف دیگر غیر منطقی‌ترین خبر روایت فتح ایران در دوره ابوبکر یعنی فتح توج و مکران از آن یعقوبی است که شایسته تأمل است. سبب این امر را باید در مخاطبان احتمالی ابن‌واضح جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد وی کتاب تاریخش را در دربار طاهریان نگاشته است، زمانی که در ارمینیه و آذربایجان سکنی داشت (ن.ک. به پاورقی پیشین). در سال‌های نیمه دوم قرن 3 هـ فارس و کرمان عرصه جدال خلافت و طاهریان با والیان استقلال‌طلبی چون علی بن حسین، محمد بن واصل و یعقوب صفاری بود (یعقوبی، بی‌تا: 2/ 504, 498-492)؛ از این رو یعقوبی با ذکر این خبر به داعیان این منطقه یادآوری

¹ محل تولد و زیستگاه اصلی یعقوبی دقیقاً مشخص نیست. این نظر برخاسته از مطالعات نگارنده است. برای نظرات مرتبط در این زمینه (ن.ک. بروکلان، بی‌تا: 2/ 236؛ جعفریان، 1376، 54؛ عزیزی، 1391: 85-80)

می‌کند که فتح آن به زمان نخستین خلیفه بازمی‌گردد. پس طبعاً در زنجیره پیوسته تاریخ مقدس خلافت، تنها خلیفه عباسی و مخدومان ابن‌واضح یعنی طاهریان مشروعیت حکومت را در این منطقه دارند.

نتیجه

متونی که در این مقاله به بخش فتوحات آنها در دوره ابوبکر پرداخته شد همگی جزء آثار تاریخ‌نگاری محسوب می‌شوند. همین‌که در قرن سوم مسئله فتوحات ایران، در اولین مرحله انجام آن، در آثار چهار مورخ برجسته یعنی خلیفه بن‌خیاط، بلاذری، ابوحنیفه دینوری و یعقوبی طرح شده است، خود گواه اهمیت این وقایع در نظرگاه مسلمانان قرون نخستین اسلامی است. فتوح‌نگاری هر یک از مورخان چهارگانه فوق با یکدیگر تشابهات و تفاوت‌های بسیار دارد. مسیر فتوحات و منازل مسلمانان در سواد عراق و فرماندهان عملیات در چهار متن فوق از نخستین و بارزترین این تفاوت‌ها و تشابهات است. در این مسئله، باید گفت که همه آنها کوشش می‌کنند یک روایت یکدست از فتوح این دوره در ذیل تاریخ خلافت ارائه دهند و هر کدام قالب ادبی بدیعی برای روایت خویش می‌سازند. همگی این تاریخ‌نگاران قائل به عملیات جنگی در ایران در عصر ابوبکر هستند، اما در اینکه برنامه فتوحی در ذهن مسلمانان بوده، اتفاق نظر ندارند. در مناطق فتح‌شده نیز، همگی بر وجود عملیات در شط فرات، صلح با حیره و تعیین‌شدن مال‌الصلح آن هم‌نظرند. از زاویه دیگر، به سبب انگیزه مشترک خلیفه و بلاذری در تأکید بر جنبه‌های عربی خلافت، منازل اشاره‌شده آن دو نسبت به دینوری و یعقوبی همخوانی و شباهت بیشتری دارد. همچنین توجه به چگونگی فتوحات و جزئیات آن نیز در نوشتار خلیفه و بلاذری بیش از دو مورخ دیگر است. نکته دیگر در بازنمایی متفاوت مورخان فوق در نحوه عملکرد اشخاص مهم و تأثیرگذار در فتوحات است. امری که علاوه بر بینش و تفکرات آنها، از مکان تولید متن، دوری یا نزدیکی به دستگاه سیاسی و البته مشایخ و راویان هر یک تأثیر پذیرفته است. دو نمونه بارز این مدعا خلیفه و دینوری هستند. روحیه عربی با محوریت برجسته‌سازی بصره، در اثر خلیفه و در نقطه مقابل، ایران‌محوری و ساخت تفاخر برای کوفه و ملحقات آن در فتوح‌نگاری دینوری غالب است. درحالی‌که یعقوبی که در دستگاه طاهریان می‌نگاشت، فارغ از دل‌مشغولی‌های مورخان بین‌النهرینی، نگران از دست‌رفتن سرزمین‌های مخدومانش در درون ایران بود؛ به همین سبب، متناقض‌ترین چیدمان از مسیر فتوح را عرضه داشته است. اما در این بین *فتوح‌البلدان* بلاذری یک استثناست. این کتاب در بغداد به نگارش درآمد و مخاطب آن نیز، دستگاه خلافت عباسی بود. با در نظر داشتن اوضاع سیاسی هم‌زمان با حیات بلاذری، موقعیت ویژه او در دربار عباسی و مروری بر محتوا و چیدمان کتاب در خصوص فتوح دوران ابوبکر در این اثر می‌توان گفت وظیفه مهم بازنمایی فتوحات مسلمانان، به علت تأثیر شایان توجهی که بر مسائل سیاسی و اقتصادی جامعه آن روز داشت، به بلاذری واگذار شده بود. لذا او کوشید توصیفی یکدست از فتوحات مسلمانان ارائه کند و به‌طور غیر مستقیم به بسیاری از سؤالات فقهی مرتبط با خراج به‌خصوص در منطقه عراق پاسخ دهد. به همین دلیل متن بلاذری نسبت به دیگر متون هم‌عصرش به‌عنوان متن الگو پایدار ماند و در حمایت دستگاه قدرت بارها نسخه‌برداری شد.

کتاب‌شناخت

- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (1371) *المسالك و الممالک*، سعید خاکنرد، تهران: ملل با همکاری حنفاء. ابوخلیل، شوقی (1425هـ/2005م) *أطلس التاريخ العربی الإسلامي*، دمشق: دارالفکر.
- اجتهادی، ابوالقاسم (1363) *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان*، تهران: سروش.
- احمدعلی، صالح (شوال 1413) «مفاخرات الکوفه و البصره»، المجمع العلمی العراق، المجلد الثانی والأربعون، الجزء 3 احمدی منش، محمد (1394) «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره 7، شماره 1 بهار و تابستان
- آذرنوش، آذرتاش (1387) *چالش میان فارسی و عربی*، چاپ دوم، تهران: نی.
- بروکلمان، کارل (بی تا) *تاریخ الأدب العربی*، عبدالحلیم النجار، الجزء 3، قم: دارالکتاب الاسلامی
- بلادری، احمد بن یحیی (1988) *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جبری، محمد عابد (1384) *عقل سیاسی در اسلام*، عبدالرضا سواری، تهران: گام نو.
- جعفریان، رسول (1376) *منابع تاریخ اسلام*، چاپ 3، قم: انصاریان.
- حاجی بابایی، محمود؛ علی زارعی، (1393) «جایگاه امور فرامادی در تحلیل فتوحات مسلمانان در ایران»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال 5، شماره 15.
- حضرتی، حسن (1387) *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- حموی، یاقوت، ابن عبدالله (1995م) *معجم البلدان*، بیروت: دار صار.
- خلیفه بن خیاط، ابوعمرو (1415هـ/1995م) *التاریخ*، تحقیق فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الدوری، عبدالعزیز (بی تا) *نشأة علم التاریخ عند العرب*، بیروت: المطبعة الکاتولیکیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (1368ش) *الأخبار الطوال*، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی.
- رایسن، چیس اف (1389) *تاریخ‌نگاری اسلامی*، مترجم: مصطفی سبحانی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- زرگری نژاد، غلامحسین (1383) *نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا*، تهران: سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین (1392) *تاریخ ایران بعد از اسلام*، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر.
- زکار، سهیل (1967) «کتاب الطبقات خلیفه بن خیاط»، المعرفة، القسم الاول، العدد 64.
- سعیدیان جزئی، مریم (1386) «مثنی بن حارثه شیبانی و نخستین فتوح اسلامی در عراق»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال 8، شماره مسلسل 30.
- شبان، رحیم (1388) «فتوح البلدان فرهنگ‌نامه جغرافیای تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره 134.
- شهیدی، جعفر (1358) *پس از پنجاه سال*، تهران: امیرکبیر.
- صبوری، فاطمه (1388) «پیشگامان تاریخ‌نگار ایرانی تا قرن پنجم هجری»، مشکوه، شماره 102.
- طحاولی، عبدالعلیم (1360) «البیئیات العلمیه الإسلامیه: 1- بصره»، هدایة الاسلامیه، المجلد الرابع عشر، الجزء 1 و 2.
- ظریفیان شفیعی، غلامرضا؛ زهیر صیامیان گرجی (1391) «تاریخ‌نگاری اسلامی در روایت اهل حدیث نمونه موردی: تاریخ خلیفه بن خیاط»، مطالعات تاریخ اسلام، سال 4، شماره 12.
- عزیزی، حسین (1391) *نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (1391) «ابن واضح یعقوبی (م 284ق) و آثار او در میراث مکتوب»، پژوهش‌های تاریخی، سال 4، شماره اول (پ. 13).
- قاسم بن سلام (1968م/1388) *الأموال*، تحقیق: خلیل محمد هراس، قاهره: مکتبه الکیلیات الازهریه.
- قاندان، اصغر (1384) «تاریخ‌نگاری جنگ در عصر اسلامی»، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، سال 4، شماره 13.
- _____ (1390) «تأثیر روایات ایام العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری»، مطالعات تاریخ اسلام، سال 3، شماره 9.

کریمیان و دیگران (1391) «دینور از شکل‌یابی تا اضمحلال تأملی دیگر در عوامل موثر بر اضمحلال شهرها»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال 2، شماره 1.

لسترنج، گی (1377) *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، مترجم: محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

محمودآبادی، اصغر (1380) «تاریخ‌نگاران و رویداد قادسیه»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره 7.

مطلوب، احمد (1982) «البصره فی تراث الجاحظ (القسم الثاني)»، کلیة الاداب جامعه بغداد، مجلد 11، العدد 4.

معصومی، محسن؛ محمد عبدالملکی (1393) «ایران‌گرایی در آثار مورخان ایرانی اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، سال 47، شماره 2.

مغوث، سامی‌بن عبدالله بن أحمد (1424هـ/2004م) *أطلس الخلیفة بن أبي بكر الصدیق*، الرياض: مكتبة العبيکان.

ناجی، عبدالجبار (1407) «ریادة مورخی البصره فی کتابه تواریخ شامله»، کلیة آداب جامعه البصره، العدد 30.

ناضمیان فرد، علی؛ یاسمین حاتم‌الابراهیمی (1394) «کامیابی معتضد در مدیریت بحران مالی خلافت عباسی»، پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام، شماره 16.

ناظمیان فرد، علی (1377) «فتوح البلدان منبعی مستند در باب چگونگی فتح شهرها و کشورها»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.

نولدکه، تئودور (1378) *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، مترجم: عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

واقدی، محمدبن عمر (1369ش) *مغازی*، مترجم: محمود مهدوی‌دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

یحیی‌بن آدم (1435هـ/2014م) *الخراج، صححه و مشروحه: القاضی الفاضل، الشیخ احمد، القاهره: مكتبة الثقافة الدینیة*.

یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب (1422هـ) *البلدان*، محقق و مصحح: محمدامین ضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ [ابی تا] تاریخ، بیروت: دار صار.